۴۰ ساعت در شهر شکست هیتلر

با بریکسی‌ها در سن‌پترزبورگ

ادامه از صفحه ۱

کمی پس از خروج ما از هواپیما، فرش قرمز برای استقبال از رئیس مجلس شورای اسلامی پهن می‌شود. آقایان آلکساندر دمیترویچ ژوکوف نایب‌رئیس، دمیتری واسیلنکو سناتور دوما و لئونارد ادواردویچ سلوتسکی رئیس حزب لیبرال دومای فدراسیون روسیه به صورت رسمی از آقای قالیباف استقبال می‌کنند.

پس از مراسم استقبال به پاویون فرودگاه می‌رویم. در همان ابتدا، به هر یک از خبرنگاران و اعضای هیات، پاکتی داده می‌شود. روی هر پاکت با خط نستعلیق اسامی افراد حاضر در سفر نوشته شده است. در پاکت خبرنگاران، به جز یک سیم‌کارت که از ضروریات سفرهای اینچنینی است، شماره همراه سایر اعضای تیم خبری، کلید اتاق و شماره مینی‌بوس، گذاشته شده است.

هوای شهر بسیار معتدل است. این را از قبل می‌دانستم. یکی از کارشناسان مسائل روسیه که تا حدودی از جزئیات سفر آگاه بود، برایم در یک فایل صوتی گفته بود که «دمای هوا تقریبا معتدل است و شب‌ها به ۱۳ تا ۱۸ درجه اما روزها بین ۲۳ تا ۲۷ درجه است. پنجشنبه نیمه‌ابری است و جمعه هم باران می‌بارد.» برای عزیمت به هتل، به سمت خودروها می‌رویم. برای قالیباف و هیات همراه، خودروهای بنز کلاس E۲۲۰ مشکی رنگ صف کشیده‌اند.

برای خبرنگاران هم یک ون بنز در نظر گرفته شده است. در لحظات ابتدایی حرکت به سمت هتل، روشنایی روز در شب، فضای بسیار سرسبز شهر و خودروهای نسبتا لوکس اروپایی، سه‌گانه‌ای هستند که توجه همه ما را به خود جلب کرده است.

بعد از حدود نیم ساعت به هتل «بلموند گراند یوروپ» در خیابان «Mikhaylovskaya» می‌رسیم. این هتل، تنها چند قدم با بلوار بسیار مشهور نوسکی فاصله دارد.

راهی اتاق‌هایمان می‌شویم. با یک جابه‌جایی، من و علی صفری، دبیر بین‌الملل خبرگزاری دانشجو، هم‌اتاقی می‌شویم؛ اتاق ۴۸۶. نیم ساعت بعد، قرار می‌گذاریم چرخی در شهر بزنیم اما نماز مغرب را هنوز نخوانده‌ایم. علی با موبایل زمان اذان را چک می‌کند. غروب خورشید ساعت ۲۲:۰۸ شب و اذان مغرب تقریبا یک ساعت بعد، ساعت ۲۳ شب است. اینجا طلوع آفتاب هم ساعت ۳:۴۰ صبح است.

نماز را می‌خوانیم و راهی خیابان می‌شویم. یزدان پناه توصیه کرده بود به دلیل نداشتن پاسپورت، بهتر است در شهر تردد نداشته باشیم. ما که از تهران نیامده بودیم که در هتل محبوس شویم، سعی می‌کنیم بدون سر و صدا و مواجهه با یزدان پناه، از هتل خارج شویم. نمی‌دانم چه خطایی می‌کنیم که آسانسور در طبقه‌ای غیر از لابی متوقف می‌شود. هر چه می‌گردیم، لابی را پیدا نمی‌کنیم. قرار بود یزدان پناه را نبینیم ولی حین سردرگمی و در عین ناباوری، کاظم جلالی، سفیر ایران در روسیه و آقای قالیباف جلویمان سبز می‌شوند.

با کمک پرسنل هتل، بالاخره لابی را می‌یابیم. یکی از همکاران رسانه‌ای که منتظر بود کسی پیدا شود تا او هم چرخی در شهر بزند، به ما می‌پیوندد. سه نفری در هوای گرگ و میش، راهی خیابان می‌شویم. از هتل تا بلوار نوسکی چند قدم راه است. پا نگذاشته در بلوار، غرق در زیبایی آن و ساختمان‌های قدیمی و جمعیت انبوه دختران و پسران روسی می‌شویم. این بلوار خیابان اصلی و مشهورترین بلوار شهر است. نوسکی بلواری بسیار عریض و طولانی است که میدان قصر را به میدان و المان شهر قهرمان لنینگراد متصل می‌کند. نیکلای گوگول، داستان‌نویس روسی که روزگاری در این شهر زیسته بود، در کتاب «بلوار نوسکی» نوشته است «هرگز به بلوار نوسکی ایمان نیاوریم» زیرا «بلوار نوسکی همه روز را به فریب و نیرنگ مشغول است» و شب‌ها «شیطان خودش بیرون می‌خزد و چراغ‌های خیابان را روشن می‌کند، تنها به این منظور که همه چیز را با جلوه‌ای دگرگونه به نمایش درآورد»؛ آماده برای قربانی‌های بعدی‌اش.

ما اگرچه به بلوار نوسکی ایمان نیاوردیم اما هرچه گشتیم، شیطانی را هم ندیدیم که چراغ‌های خیابان را روشن کرده باشد. با چند دقیقه پیاده‌روی، به خیابان «Griboyedov channel embankment» می‌رسیم. در وسط خیابان کانال آبی قرار دارد که قایق‌های نسبتا بزرگ به راحتی در میان آن تردد می‌کنند. به سمت کلیسای زیبایی که در انتهای خیابان قرار دارد، حرکت می‌کنیم. روی پل «Italian» دختر و پسر جوانی، در چند قدمی کلیسای «منجی در خون» خلوت کرده‌اند. علی، نقش تولیدر ما را برعهده دارد. این تولیدری، از کلیسا و شرح تاریخچه‌اش آغاز می‌شود و تا انتهای سفر شبانه‌مان ادامه دارد. نقطه انتهای مسیر ما، روخانه‌ای است که گفته شده راس ساعت ۱:۱۰ بامداد، پل ساخته‌شده روی آن، باز می‌شود. الان این پل تبدیل به جاذبه توریستی شده ولی در گذشته، برای تردد کشتی‌های غول‌پیکر این پل باز می‌شده.

ساعت ۱۲ شب است اما جمعیت قابل توجهی در خیابان هستند. هر چه به پل نزدیک‌تر می‌شویم، جمعیت بیشتر و بیشتر از قبل می‌شود. توریست‌ها که تقریبا اکثرشان روسی هستند، کنار رودخانه عریض شهر ایستاده‌اند تا ساعت ۱:۱۰ بشود و نخستین پل باز شود.

برخی از این فرصت که هر شب تکرار می‌شود، بهره برده‌اند و بساط پشمک و اغذیه‌فروشی در کنار پل دایر کرده‌اند. از بوی بد روغن اغذیه‌فروشی‌ها که تا چند متر آن طرف‌تر هم پهن شده، می‌توان فهمید احتمالا این روغن سوخته، قدمتی به اندازه ساختمان‌های کهنسال شهر دارد. به جز بساط خوراکی، سفره هنر هم در گوشه‌ای پهن شده است. چند نفر با فاصله، مشغول نوازندگی خیابانی و کسب درآمد هستند. توالت‌های پیش‌ساخته هم حسابی مشتری دارد. آنهایی که دست‌شان به جیب‌شان می‌رسد، برای دیدن صحنه باز شدن پل‌ها از درون آب، بلیت می‌خرند و سوار قایق می‌شوند. ما اما ترجیح می‌دهیم پولی برای دیدن چنین منظره‌ای خرج نکنیم. در نزدیکی پل، ده‌ها قایق بزرگ شانه به شانه ایستاده‌اند تا ساعت موعود برسد و مسافران‌شان از نزدیک باز شدن پل را ببینند. مثل هزاران تماشاچی دیگر، تا ساعت ۱:۱۰ منتظر می‌مانیم. چند دقیقه‌ای پیش از ساعت مذکور، جلوی تردد خودروها روی پل گرفته می‌شود. اولین پل راس ساعت ۱:۱۰ باز می‌شود. باز شدنش، یکی دو دقیقه‌ای زمان می‌برد. دوربین‌ها مشغول عکاسی و فیلمبرداری هستند. بعد از چند دقیقه، دو دهنه پل با زاویه تقریبا ۸۰ درجه رو به آسمان بلند می‌شود. خیلی‌ها که باز شدن پل اول را دیدند، به سمت پل دوم که هنوز باز نشده و چند صد متر پایین‌تر است، می‌روند. می‌خواهند آن را هم به چشم ببینند. ما اما به همین یک پل بسنده می‌کنیم و برای جا نماندن از برنامه فردا به هتل برمی‌گردیم. در طول مسیر برخلاف عادت سعی می‌کنیم به قوانین احترام بگذاریم و شبیه روس‌ها رفتار کنیم، یعنی زمانی که چراغ تردد عابر پیاده قرمز است از خیابان عبور نکنیم اگر چه هیچ خودرویی هم در آن محدوده نباشد. سخت است اما رعایت می‌کنیم.

ساعت کمی از ۲ گذشته به هتل می‌رسیم. نماز صبح را می‌خوانیم. در گروه تلگرامی سفر، اعلام شده «حتما قبل از ساعت ۸ صبحانه صرف شود» که راس ساعت ۸ از هتل حرکت می‌کنیم. می‌خوابیم تا برنامه فردا را از دست ندهیم. نمی‌دانم علی، موبایل را روی چه ساعتی کوک کرده که از ساعتی مشخص، هر یک ربع به یک ربع، مرا از خواب می‌پراند ولی نه خودش بیدار می‌شود و نه من حس و حال ساکت کردنش را دارم.

بعد از ۴ بار زنگ زدن بیدار می‌شود. من را هم بیدار می‌کند. به رستوران می‌رویم و صبحانه نه چندان دلچسبی می‌خوریم. بین آن همه مشربه و ماکله فقط می‌توانیم کمی تخم‌مرغ برداریم. نمی‌دانم چگونه تخم‌مرغ را سرخ می‌کنند که آب می‌اندازد؟

هر طور هست، ساعت ۸:۱۰ خودمان را به جلوی در هتل می‌رسانیم. «مهدی ترابی مهربانی» مترجم وزارت خارجه معتقد است رفتن به اجلاس در این ساعت خیلی زود است: «این ساعت حتی کله‌پزی‌های سن‌پترزبورگ هم خوابند.» کله‌پزی‌ها را نمی‌دانم ولی چند مامور، با دو سگ آموزش دیده بمب‌یاب دور خودروهای اطراف هتل می‌چرخند تا هیچ خطری متوجه هیات ایرانی نباشد. به سمت محل اجلاس می‌رویم. در روشنایی روز زیبایی شهر دوچندان است. مسیری نسبتا طولانی را طی می‌کنیم تا به کاخ «تاوری» (تاوریچسکی) در شمال شرق منطقه تاریخی سن‌پترزبورگ برسیم. این کاخ در مجاورت باغ زیبای تاوریچسکی ساخته شده است. به دلیل همین ویژگی زیبایی کاخ تبدیل به محل دائمی نشست اتحادیه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع (C.I.S) شده است. چرایی‌اش را نمی‌دانم ولی در بین شهرهای روسیه سن‌پترزبورگ برای ما ایرانی‌ها، تومنی صد شاهی با سایر شهرهای روسیه فرق دارد. شاید آخرین دلیلش پیروی ایران از مراکش در جام جهانی ۲۰۱۸ در ورزشگاه سن‌پترزبورگ باشد. برای من این شهر نه به خاطر بناهای زیبا و تاریخی‌اش یا برد تیم ایران که حداقل به دو دلیل دیگر، جذاب است؛ یکی به خاطر رمان بسیار دوست‌داشتنی «مردم فقیر» فئودور داستایوفسکی که داستانش به شکلی شرح زاغه‌های سن‌پترزبورگ است و دیگری هم که بی‌ارتباط به اولی نیست تحصیل و زیست آخرین سال‌های زندگی داستایوفسکی در این شهر است. می‌گویند شاید هیچ نامی در تاریخ ادبیات به مانند داستایوفسکی به سن‌پترزبورگ گره نخورده باشد، حتی داستان رمان مشهور «جنایت و مکافات» او نیز در همین شهر اتفاق افتاده است. در روسیه داستایوفسکی یکی از محبوب‌ترین نویسندگان است، حتی «سولانا آلکسیویچ» برنده جایزه نوبل ادبیات هم غرق در نوشته‌های اوست. با این حال اما روس‌ها به همان اندازه که داستایوفسکی را می‌ستایند، دل خوشی از آلکسیویچ بلاروسی ندارند. آنها معتقدند او در پنج‌گانه‌ای که نوشته به‌ویژه در «جنگ چهره زنانه ندارد» و «پسران روبین»، ملت روس و مقاومتش را تحقیر کرده است. احساس می‌کنم آلکسیویچ نمی‌خواست و الامی‌توانست با نوشتن از مقاومت بی‌نظیر مردم سن‌پترزبورگ (لنینگراد) در جنگ جهانی دوم در برابر هجوم آلمان‌ها، روایت بی‌مثالی را خلق کند. سن‌پترزبورگ یا لنینگراد در جنگ جهانی دوم در فاصله از ۸ سپتامبر ۱۹۴۱ یعنی زمانی که آخرین جاده ورودی به شهر مسدود شد، در محاصره افتاد و تا ۸۷۲ روز بعد (۲۷ ژانویه ۱۹۴۴) در محاصره ماند. محاصره لنینگراد از طولانی‌ترین و ویرانگرترین محاصره‌ها در تاریخ بشر شناخته شده است. نه در شوروی آن زمان یا روسیه امروزی که در همه کشورها مردم برای هر شکلی از مقاومت احترام ویژه‌ای قائلند. فرقی نمی‌کند که این مقاومت در ویتنام و مقابل آمریکایی‌ها؛ در الجزایر و مقابل فرانسوی‌ها؛ در هند و مقابل استعمار انگلیس یا حتی در غزه علیه رژیم صهیونیستی باشد. برای افکار عمومی جهان مقاومت در برابر استکبار و زورگویان شریف است و همه ملت‌ها با نیکی از آن یاد می‌کنند. بریکس هم نمونه‌ای از این دست مقاومت‌هاست؛ مقاومتی در برابر یکجانبه‌گرایی آمریکا و ساختارهایی که غرب برای سلطه بر جهان ایجاد کرده است. این بار اما نه یک کشور که یک گروه قرار است در برابر آمریکا بایستد.

در اجلاس ۲۰۲۳ بریکس در آفریقای جنوبی، ایران، عربستان سعودی، امارات متحده عربی، مصر، اتیوپی و آرژانتین به عنوان اعضای جدید به این گروه پیوستند. اجلاس آفریقای جنوبی را به خوبی به یاد می‌آورم. پیش از سفر رئیس جمهور به اجلاس محمد جمشیدی، معاون سیاسی رئیس جمهور در جلسه‌ای که اجازه ضبط آن وجود نداشت در این باره حرف زد. او گفت که اولویت دولت رئیسی «عضویت در سازمان‌های بین‌المللی» است و از همین رو دولت درخواست عضویت در بریکس را داده و چندین دور رایزنی کرده است. با این حال اما او گفت که معلوم نیست این درخواست چه زمانی پذیرفته شود. از بین اعضای جدید بریکس، آرژانتین با توجه به روی کار آمدن یک رئیس جمهور راست افراطی که به دونالد ترامپ آرژانتین مشهور است تقاضای عضویتش را پس گرفت. عربستان سعودی نیز حضور بسیار کم‌فروغی در بریکس داشته اما با این حال روس‌ها می‌گویند که ریاض قصد جدایی از گروه را ندارد. به سمت ورودی کاخ می‌رویم. از روز قبل به هر یک از اعضای شرکت‌کننده در اجلاس کارتی داده شد که روی آن مشخصات و تصویر فرد چاپ شده بود. روی کارت، کیو آر کد مختص به هر فرد چاپ شده است. در ورودی اجلاس، چهار گیت ورودی برای افراد و سه گیت چک وسایل همراه تعبیه و دو دوربین هم برای تست درجه حرارت بدن نصب شده است. هر فرد برای ورود باید کد کیو آر را جلوی دستگاه بگیرد. اگر چراغ سبز شد و تصویر فرد نشان داده شد وی امکان ورود به ساختمان کاخ را خواهد داشت. در غیر این صورت اجازه ورود به اجلاس را نخواهد داشت.

دیدار و گفت‌وگو با رئیس دومای روسیه

نخستین دیدار قالیباف با «ویچسلاو ولودین» رئیس دومای روسیه است. محل نشست از قبل مشخص شده است؛ سالن شماره ۶. ساعت ۸:۵۰ است. منتظر آمدن رئیس مجلس هستیم. هیات چینی از جلوی‌مان با سرعت عبور می‌کند. انگار کمی تاخیر داشته‌اند که با شتاب حرکت می‌کنند. مدیریت برگزاری دیدار با خانم میانسال کوتاه‌قامتی است که یک پالتوی سرمه‌ای رنگ بلند به تن دارد. در همان ابتدا برای ورود خبرنگارها سختگیرانه برخورد می‌کند و نمی‌خواهد اجازه دهد خبرنگاری در سالن باشد. به ناچار تبعیت می‌کنیم اما ساعت ۹:۱۰ با ورود هیات‌ها، وارد سالن می‌شویم. حدود ۱۵ دقیقه ابتدایی گفت‌وگو درباره مسائل کلی صحبت می‌کنند. بعد از آن وارد مسائل اصلی می‌شوند. از همین رو نیز بعد از ۱۵ دقیقه، خانم میانسال سعی می‌کند خبرنگارها را یک به یک به بیرون هدایت کند. در نشست‌های دوجانبه گفت‌وگوها به صورت پینگ پنگی پیش می‌رود. میزبان ضمن خوشامدگویی نکاتی را مطرح می‌کند؛ طرف مقابل نیز با تشکر از دعوت به آن نکات یا مواردی که مورد توجهش است اشاره می‌کند. این گفت‌وگوها توسط مترجم مورد تایید هر طرف ترجمه می‌شوند. به عنوان نمونه اظهارات رئیس دومای روسیه خطاب به رئیس مجلس توسط مترجم روسی به فارسی برگردانده می‌شود. سخنان رئیس مجلس نیز توسط مترجم ایرانی مسلط به روسی ترجمه می‌شود. البته با این وجود مترجم هیات ایرانی روی کاغذ اظهارات طرف روسی را می‌نویسد. شاید برای اینکه اگر در ترجمه اشکالی وجود داشت آن را تثبت و به مذاکره‌کننده ایرانی اعلام کند. در این گفت‌وگو رئیس دومای دولتی فدراسیون روسیه همکاری‌های بریکس را کمک‌کننده برای حل مسائل مشترک خواند و ضمن ابراز خرسندی از عضویت ایران در این اتحادیه بزرگ که تقریبا نصف جمعیت جهان را پوشش می‌دهد، گفت: «ما در این اتحادیه شانه به شانه در کنار هم هستیم.» او از رشد ۱۵ درصدی حجم مبادلات تجاری در پنج ماه ابتدایی سال جاری نسبت به دوره گذشته ابراز مسرت کرد.

قالیباف نیز در مقابل، خواستار افزایش حجم تبادلات تجاری، رفع موانع مالی و توسعه فعالیت‌ها در حوزه ترانزیت و انرژی با روسیه شد. او با اشاره به فرصت‌های موجود در روابط دوجانبه بین ایران و روسیه، گفت که «ما می‌توانیم کارهای بزرگی در حوزه‌های تجارت و انرژی انجام دهیم.» قالیباف تاکید کرد که «سیاستی که رهبر معظم انقلاب درباره روابط دو کشور اعلام کرده‌اند، سیاست قطعی ما بوده و تغییرناپذیر است.» او از فرارسیدن «زمان یک جهش بزرگ در روابط دوجانبه» سخن گفت و افزود: «موضوع تجارت، انرژی، ترانزیت و یکپارچگی در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی مهم است و مجلس دوازدهم و دولت چهاردهم آماده هستند که این توسعه اقتصادی را با قدرت بیشتر پیش ببرند.»

بوی عطر اسپندهای حرم امام رضا(ع)

در سالن منتظر پایان جلسه با رئیس دومای روسیه هستم که هیات اماراتی به سرعت از کنارم عبور می‌کنند. به محض حرکت‌شان، بویی شبیه به اسپندهایی عطری که خدام در حرم امام رضا(ع) در اسپند دودکن‌های حضرتی می‌ریزند، فضای بسته راهروی اتاق‌های جلسات را برمی‌دارد.

گفت‌وگوی رئیس دومای روسیه با رئیس مجلس ایران تا ساعت ۱۰ طول می‌کشد. پس از پایان گفت‌وگو دو طرف با یکدیگر به سمت محل نشست پارلمانی بریکس حرکت می‌کنند. در گزاره برگی که طرف روسی درباره نشست به پارلمان‌های کشورهای عضو ارسال کرده بود، زبان کاری اجلاس، زبان انگلیسی معرفی شده بود. در این متن آمده بود که «ترجمه همزمان روسی و انگلیسی در محل نشست‌ها انجام می‌شود» ولی برحسب درخواست هیات‌ها، کابین‌های ترجمه برای ترجمه همزمان به سایر زبان‌ها نیز امکان‌پذیر است. با توجه به محدودیت فضا، روس‌ها دسترسی به سالن جلسه را با فرمت ۱+۳ طراحی کرده بودند، یعنی رئیس پارلمان یا نماینده وی دور میز می‌نشیند و سه نفر همراه وی، یک ردیف عقب‌تر مستقر می‌شوند. سایر اعضا نیز می‌توانند در سالن مشاهده از طریق صفحه نمایش، جلسات را مشاهده کنند. با توجه به محدودیت محل، احتمال می‌رفت از هر هیات پارلمانی، تنها یک خبرنگار در سالن اجلاس حضور داشته باشد اما به دلایل نامشخص، این امکان برای همه خبرنگاران فراهم شد تا وارد محل اصلی اجلاس شوند.

سلام؛ خوش آمدید

دور میز گرد اجلاس، والنتینا ماتوینکو، رئیس شورای فدراسیون روسیه در نقطه‌ای نشسته که نخستین سخنران باشد. در سمت چپ او رئیس دوما و در سمت راست، قالیباف رئیس مجلس ایران نشسته است. رئیس شورای فدراسیون روسیه نطقش را آغاز می‌کند. قبل‌تر به هیات‌ها اعلام شده بود که نماینده هر کشور تنها هفت دقیقه برای بیان دیدگاه‌هایش فرصت دارد. چشم همه دوربین‌ها به نفراتی است که دور میز نشسته‌اند. در بین اعضا، بیش از همه، نماینده دو کشور توجهم را جلب می‌کنند؛ یکی امارات و دیگری برزیل. اولی بیشتر به خاطر اقداماتش و دومی بیشتر به خاطر ظاهرش. از ابتدای نشست، نماینده امارات، به‌طور دائم با خودکار روی میزش بازی می‌کند و گاهی هم با جزوه‌ای که جلویش است، ور می‌رود. درست برخلاف نماینده مصر که خیلی موقر، دست روی دست گذاشته و آرام نشسته است. صندلی آفریقای جنوبی خالی است اما هیچ صندلی‌ای برای هیات پارلمانی عربستان سعودی تعبیه نشده است. شاید دلیل عدم شرکت ریاض، نداشتن پارلمان است. اساسا در عربستان، میانه خوشی با رای و رای دادن ندارند. ویروس اماراتی‌ها به جان نایب رئیس مجلس برزیل هم می‌افتد. او به جای خودکار، با انگشتانش بازی می‌کند. نماینده برزیل، موهای نسبتا بلند و کمی فر دارد که او را از سایر اعضای حاضر در مجمع پارلمانی بریکس متمایز کرده است.

برخی هیات‌ها مشغول نت‌برداری از سخنرانی روسا یا نمایندگان پارلمان‌ها هستند. مقابل من که به صورت ایستاده نشست را دنبال می‌کنم، دو نفر از هیات ۱+۳ چینی نشسته‌اند؛ یک خانم میانسال که موهایش را کوتاه و رنگ کرده و یک آقا. وسط نطق رئیس دوما، هر دو گوشی‌هایشان را چک می‌کنند. به نظر دارند خبر می‌خوانند. از نوشته‌های چینی‌شان سردرنمی‌آورم.

برخلاف برخی اعضا، رئیس پارلمان مصر دستانش را روی میز گذاشته و سعی می‌کند از هر حرکت اضافی خودداری کند؛ درست مثل قالیباف که بدون تحرک اضافی، تقریبا روبه‌روی او نشسته است. رئیس مجلس ایران گاهی، چشم می‌چرخاند و اطراف را برانداز می‌کند. پشت سرش، مهدی صفری، شمس‌الدین حسینی و کاظم جلالی سفیر ایران در مسکو نشسته‌اند. خانم جهانگیری نماینده ارومیه هم کمی عقب‌تر نشسته است. کاظم جلالی از آنچه که فکر می‌کردم، شکسته‌تر شده است. ۱۲ سال از آخرین باری که در شاهرود دیده‌مش گذشته، اما این حجم از تغییر، به نظرم عادی نیست. در سمت چپ هیات مصری، اتیوپی و درکنار آن، هندی‌ها قرار دارند. در میان هیات همراه هند، فردی حضور دارد که گویی سبیل را روی صورتش چسبانده‌اند. گاهی سبیل پرکلاغی رنگش را تاب می‌دهد تا نوکش رو به بالا بایستد. نوبت به نطق نماینده چین می‌رسد. با زبان چینی صحبت می‌کند. زبان بسیار سختی به نظر می‌آید؛ مخصوصا در ادای کلمات. با اینکه شمرده شمرده کلمات را ادا می‌کند، تنها شین چی را می‌فهمم. تازه مطمئن نیستم همین یک کلمه را هم درست فهمیده باشم. پس از نطق رئیس پارلمان چین، نوبت به مصر می‌رسد. نماینده مصر به جای عربی، انگلیسی نطق می‌کند. قالیباف کمی تشنه شده است. برای خودش آب می‌ریزد و کمی به اطراف متمرکز نگاه می‌کند؛ بیشتر به سمت راست. نطق مصر بیش از مدت تعیین‌شده طول می‌کشد. این را بلندگوی سالن می‌گوید. در سه ثانیه آخر، صدای ثانیه شمار از بلندگو پخش می‌شود و پس از آن یک هشدار که یعنی زمان به پایان رسیده است. رئیس پارلمان مصر چند ثانیه‌ای بیشتر از معمول صحبت می‌کند. مطابق سایر سخنرانان، پس از پایان سخنان او، همه اعضا دست می‌زنند. حداقل دونفر از تیم ایرانی را می‌بینم که مشغول نت‌برداری از سخنان نمایندگان کشورها هستند؛ صابر صمدزاده یکی از آنهاست. مهدی محمدی مشاور امور راهبردی رئیس مجلس هم مشغول نوشتن توی گوشی‌اش است. بعد از نوشتن، اینستاگرامش را هم باز می‌کند ولی در روسیه، اینستاگرام و توییتر را به خاطر جنگ، فیلتر کرده‌اند. پیش از نطق رئیس مجلس، از تیم اجرایی ایران، یک نفر، متن نطق قالیباف به زبان انگلیسی را در اختیار تمام هیات‌های حاضر در نشست قرار می‌دهد. ندیده‌ام که سایر هیات‌ها چنین کاری را انجام داده باشند. این طور کار هیات‌ها هم ساده‌تر می‌شود و دیگر لازم نیست یک نفر نکته‌برداری کند. رئیس پارلمان چین، گاهی با استفاده از یک مداد معمولی نت‌برداری می‌کند. او مداد را خیلی مورب در دست گرفته؛ تقریبا با زاویه ۲۰ درجه نسبت به کاغذ. چیزهایی می‌نویسد. نماینده امارات، صندلی‌اش را کمی جابه‌جا می‌کند تا یکی از خانم‌های همراهش بتواند دور میز بنشیند. احتمالا آن خانم قرار است از روی نطق پرینت گرفته شده بخواند. با آمدن آن خانم، نماینده امارات به جای بازی با خودکار، سراغ تلفن همراهش می‌رود. گاهی هم با کمی لبخند به نماینده برزیل نگاه می‌کند. پس از او، نماینده اتیوپی هم سراغ چک گوشی می‌رود. پس از پایان هر سخنرانی، «والنتینا ماتوینکو» رئیس شورای فدراسیون روسیه سخنران بعدی را معرفی می‌کند. نوبت که به رئیس مجلس ایران می‌رسد، او پس از اعلام این موضوع، خطاب به قالیباف به زبان فارسی می‌گوید: «سلام؛ خوش آمدید.»

نظم جهانی ناتوان است

قالیباف در ابتدا بابت ابراز همدردی مقامات کشورهای حاضر در این نشست با دولت و مردم ایران در رابطه با شهادت غم‌انگیز سید ابراهیم رئیسی و وزیر امور خارجه و همراهان‌شان، تشکر و قدردانی کرد. او از ناتوانی نظام کنونی جهانی در زمینه حل‌وفصل اختلافات منطقه‌ای و بین‌المللی، پایان دادن به جنگ‌ها، کشمکش‌ها و نابرابری‌ها سخن گفت و شکل‌گیری سازمان‌های چند جانبه را ناشی از چنین وضعیتی دانست تا «حکمرانی جهانی براساس اصل چند جانبه‌گرایی» تسری پیدا کند. او «دلارزدایی و استفاده از ارزهای جایگزین» را یکی از اقدامات مهم بریکس خواند و گفت که این کار «باعث قطع یکی از اهرم‌های اصلی فشار آمریکا بر اقتصادهای نوظهور خواهد بود.»

قالیباف چند پیشنهاد هم داشت: «گسترش همکاری در تعیین فرآیندهای انتقال پول میان کشورهای عضو و توسعه کریدورهای تجاری برای انتقال کالا و خدمات اعضای بریکس، ایجاد گروه دوستی پارلمانی بریکس در مجالس کشورهای عضو و در نظر گرفتن موضوع تحریم‌های اقتصادی و مقابله با اقدامات قهری یکجانبه‌گرایانه به عنوان یک تهدید بزرگ علیه امنیت، رفاه مردم و شهروندان عادی اعضای بریکس.» او از چهار محور اصلی «ترانزیت، انرژی، تجارت و بانک» به عنوان مهم‌ترین محورهای همکاری میان اعضای بریکس نام برد و از آمادگی مجلس شورای اسلامی و دولت جدید ایران برای همکاری در تمامی این حوزه‌ها گفت.

نوبت به امارات که می‌رسد، به جای نماینده اصلی، آن خانم متن سخنرانی را به زبان انگلیسی می‌خواند. او تا اینجا تنها فردی است که پیش از زمان ۷ دقیقه‌ای، سخنرانی‌اش به پایان رسیده است. پس از سخنرانی، اعضای بریکس تفاهمنامه مجمع پارلمانی بریکس را امضا کردند. با امضای تفاهمنامه، مجمع پارلمانی بریکس میتواند دبیرخانه‌ای را ایجاد کند و به این مجمع رسمیت ببخشد تا این نهاد پارلمانی بتواند موضوعات مشترک همه اعضا را با هدف توسعه و تقویت روابط بین‌پارلمانی، هماهنگ و پیگیری کند. این یک نقطه عطف برای فعالیت بعد پارلمانی بریکس خواهد بود. پس از امضای این تفاهمنامه، اعضا برای عکس یادگاری در کنار یکدیگر می‌ایستند. بلافاصله پس از عکس یادگاری، نوبت به نشست بریکس پلاس می‌رسد. اعضا به سمت سالن دیگری که علاوه بر اعضای اصلی بریکس، میهمانان دیگری نیز در آن حضور دارند، حرکت می‌کنند. در این اجلاس، روسیه از روسای مجالس کشورهای همسایه خود همچون ارمنستان، آذربایجان، بلاروس، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ترکمنستان، ازبکستان و همچنین کشور آفریقایی تانزانیا که ریاست IPU (اتحادیه بین‌المجالس که مقر آن در ژنو سوئیس است) را بر عهده دارد، برای شرکت در نشست بریکس پلاس دعوت کرده است.

نظام بین‌المللی باید عادلانه شود

بدون هیچ مقدمه و فوت وقتی جلسه دوم آغاز می‌شود. در این نشست که با موضوع «نقش مجالس در ارتقای نظام روابط بین‌الملل و تضمین دموکراتیزاسیون آن» برگزار شد، رئیس مجلس شورای اسلامی کمی صریح‌تر سخن گفت و «سازمان ملل» و «مکانیسم‌های بین‌المللی کنونی» را برای حل‌وفصل مناقشات و مسائل بین‌المللی و منطقه‌ای، فاقد «کارایی چندان» خواند و گفت که «توان سازوکارهای انحصارگرایانه اقتصادی و مالی غربی به دلیل اقدامات یکجانبه‌گرایانه، کاهش یافته و نظم اقتصادی جدیدی در حال شکل‌گیری است.» او خواستار این شد که «توسعه نظام بین‌المللی و عادلانه کردن هرچه بیشتر آن»، جزء پروژه‌های راهبردی مجالس و مجامع بین‌المللی پارلمانی باشد. قالیباف از مثال‌های متعددی گفت که «نشان می‌دهد اکنون در مناسبات بین‌المللی چنین توازنی وجود ندارد.» او از «بحران غزه» به عنوان «نمونه عینی» این موضوع یاد کرد.

با فاصله کمی پس از پایان نشست، دیدار دوجانبه بعدی رئیس مجلس با «والنتینا ماتوینکو» رئیس شورای فدراسیون روسیه آغاز می‌شود. اینجا همه چیز روی دور تند قرار گرفته و این شرایط را برای تصویربرداران که باید پشت سر هم از نشستی به نشست دیگر بروند، سخت و طاقت‌فرساست. تیم روسی تنها یک ربع اجازه می‌دهد خبرنگاران در نشست حضور داشته باشند. در همان یک ربع، خانم ماتوینکو در کنار تاکید بر همکاری‌های دوجانبه، به حدود ۱۵ سند همکاری بین استان‌های ایران و روسیه اشاره کرد و از رئیس مجلس ایران می‌خواهد «از همکاری‌های بین استان‌های ایران و روسیه حمایت کند.»

ماتوینکو خطاب به قالیباف می‌گوید در سفر قبلی شما قول دادید به طور رسمی به روسیه سفر کنید: «شما خلبان هستید و می‌توانید پشت فرمان هواپیما بنشینید و بیایید اینجا. خوشحال می‌شویم شما را در سفر رسمی ببینیم.» رئیس شورای فدراسیون روسیه به ذکر خاطره‌ای جالب هم می‌پردازد. خاطره‌ای که نشان می‌دهد حتی یک دیدار چگونه می‌تواند زندگی یک فرد را تغییر دهد. سال‌ها قبل در جریان سفر ماتوینکو به اصفهان، یک دختربچه ۶ ساله با دسته گل از او استقبال کرده است. رئیس شورای فدراسیون روسیه از طریق تلویزیون ایران آن دختر را پیدا کرده و امروز این دختر در دانشگاه پزشکی سن‌پترزبورگ مشغول تحصیل است. رئیس مجلس شورای اسلامی، ریاست روسیه در بریکس را فرصت مناسبی برای توسعه روابط به‌ویژه در حوزه‌های اقتصادی، امنیتی، اجتماعی و فرهنگی و فرصت‌های ترانزیتی، انرژی و تجارت می‌خواند و می‌گوید: «بدون شک بریکس در کنار روابط دوجانبه ایران و روسیه، هم تاثیرات منطقه‌ای و هم بین‌المللی برای هر دو کشور دارد.»

سخنرانی پوتین بدون برنامه‌های اضافی

حضور در نشست با سخنرانی پوتین، برنامه بعدی اجلاس است. برای حضور خبرنگاران در این نشست، کارت مخصوص دیگری توزیع می‌شود. محل جلسه، طبقه دوم کاخ است. در ورودی راه‌پله، دستگاهی تعبیه شده که در صورت تایید کد کیوآر، افراد می‌توانند به محل نشست دسترسی داشته باشند. برخلاف ایران که برای سخنرانی یک مقام، مجری بالای سن می‌رود و چند دقیقه‌ای وقت جلسه را با شعرخوانی و درنهایت دعوت از سخنران می‌گیرد، پوتین بدون این برنامه‌های اضافی پشت تریبون قرار می‌گیرد و چند دقیقه‌ای سخنرانی می‌کند. فشردگی جلسات مانع از فرصت خوردن ناهار می‌شود. حداقل تا ساعت ۱۵ این طور است. پس از صرف ناهار، قالیباف در فرصت کوتاه تا دیدار با رئیس جمهور روسیه، با رئیس پارلمان اتیوپی گفت‌وگو می‌کند. پس از این گفت‌وگو، رئیس مجلس برای دیدار با پوتین به سمت سالن در نظرگرفته شده حرکت می‌کند. ما اصلا متوجه نمی‌شویم پوتین چه زمانی وارد کاخ شده است. یکی از کارمندان سفارت می‌گوید برای رعایت پروتکل‌های بنستاکه شدید امنیتی است، موقع ورود او همه درب‌ها بسته شده است. در دیدار دوجانبه رئیس مجلس ایران با رئیس جمهور روسیه -که بدون حضور خبرنگاران برگزار شد- پوتین خطاب به قالیباف می‌گوید «روابط بین کشورهای ما بسیار خوب و در حال توسعه است. شک ندارم روابط ایران و فدراسیون روسیه به همان اندازه که در زمان آقای رئیسی -که از درگذشت او متأسف و غمگینیم- در دوره جدید توسعه خواهد یافت.» در ویدئویی که از این جلسه منتشر شده، قالیباف هم تاکید می‌کند «یکجانبه‌گرایی غرب حتما متوقف خواهد شد.»

پس از سخنرانی عمومی ولادیمیر پوتین، عملا برنامه دیگری برای نشست طراحی نشده است. هیات‌ها امکان بازگشت به هتل‌های محل استقرارشان را دارند. با این حال برخی کشورها از این فرصت برای دیدارهای دوج